

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۲۳

مقاله پژوهشی

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

سال بیستم، شماره ۷۸، زمستان ۱۴۰۲

ظهور معنویت و عرفان در شعر شوریده شیرازی

شیرین بقایی^۱

چکیده

فصیح الملک، شوریده شیرازی (متوفی ۱۳۴۵ق) را آخرین شاعر سبک بازگشت ادبی خوانده‌اند که از روشندان نایغه در ادب فارسی به‌شمار می‌آید، دوران پرتلاطم زندگی او در پایان عصر قاجاریه و ابتدای دوران پهلوی و حوادث انقلاب مشروطه، شعر او را دارای فراز و فرودهایی می‌کند که به سوی معنویت و عرفان نیز گرایش‌هایی را نشان می‌دهد در این مقاله با روش تحلیلی و با استناد به منابع دست اول و اشعار شاعر، سرودهایی که ارتباط با معنویت و عرفان داشته‌اند، تحلیل شده‌اند و عشق الهی و تمایل به وحدت وجود و تزکیه نفس تا گرایش به انسان کامل در آن دنبال می‌شود و به‌ویژه اشعار صوفیانه او درباره امام علی (ع) چشمگیر است که با ارادت به امام حسین (ع) و امام رضا (ع) تکمیل می‌گردد و این امامان را در قامت انسان کامل عرفانی ترسیم می‌نماید و نتیجه‌گیری می‌شود که این شاعر دارای تمایلات معنوی و عرفانی بوده‌است و در دوران پختگی و دهه‌های پایانی عمر این گرایش افزایش یافته‌است. اصول معنوی را سرلوحه آموزه‌های خود در اغلب اشعار قرار می‌دهد. **کلید واژه‌ها:** سبک بازگشت، عشق الهی، مدح امام علی (ع)، انسان کامل، بی‌اعتباری دنیا.

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران bakashirin@yahoo.com

۱- پیشگفتار

این شاعر قرن سزدهم و اوایل قرن چهاردهم قمری، محمدتقی نام دارد، با تخلص «شوریده» و لقب او نیز «فصیح‌الملک» است. از نوابغ نابینای ادب فارسی به شمار می‌آید و مانند رودکی، ابن معاد، ابوالعلائی سوریه‌ای، هُمر یونانی و میلتنون انگلیسی است. در سال ۱۲۳۶ ش/ ۱۲۷۴ ق در شیراز به دنیا آمده‌است در کودکی با بیماری آبله نابینا می‌شود و از ادیبان و شاعران برجسته عصر ناصری ثبت‌شده- است. او در سال ۱۳۴۵ق درگذشت (ر.ک: وب سایت رسمی شوریده شیرازی) علاوه بر علو ادبی در موسیقی هم سرآمد بوده‌است در سال ۱۳۱۱ق. به تهران می‌آید با ناصرالدین شاه قاجار نیز ملاقات دارد و به او لقب مجدالشعرا و فصیح‌الملک را می‌دهد.

در معرفی او گفته‌اند: «طینتش از صدق و صفا سرشته، در مزرع خاطرش جز تخم وفا نکشته... (حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۱۸). دیوان اشعار و سروده‌های او که شامل قصاید، غزل‌ها، مخمس‌ها، مستزادها، قطعه‌ها، ترجیع بندها، اخوانیات و اشعار دیگر است، مجموعه‌ای با چهارده‌هزار بیت می‌باشد که در دو جلد بسیار هنرمندانه با تصاویر مناسب منتشر گردیده‌است. این اشعار از سبک بازگشت به- شمار می‌آید که به پیروی از سبک خراسانی و عراقی سروده شده‌اند، اما به زبان و فرهنگ عصر خود توجه نشان داده‌است.

درباره توجه او به زبان متداول و اصطلاحات عامیانه و روزمره در اشعار او گفته‌اند: «شوریده است، ید طولایی داشت و به عقیده نگارنده حفظ و نگهداری آن اشعار بر اهل ذوق و لغویون واجب است.» (آدمیت، ۱۳۳۹: ۳۲۴) از عوامل معنوی زندگی او سفر به خانه خدا و شرکت در مراسم حج در سال ۱۲۸۸ق. همراه با دایی اوست، بی تردید درک انقلاب مشروطیت نیز حیات مادی و معنوی او اثر داشته‌است (دیوان بیگی، ۱۳۶۶: ۸۷۷/۲؛ فرصت شیرازی، ۱۳۶۲: ۲۶۶؛ شعاع شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۵۷). از نظر عقاید دینی، شوریده مسلمانی شیعه آن هم جعفری یعنی دوازده امامی با درون‌مایه‌هایی عرفانی است که در این شعر سنگ مزار می‌گوید:

چون بر این در سرو کار است به رحمن و رحیم نه امیدم به بهشت است و نه بیمم ز جحیم
گر بود رحمتی از حق ز دو صد حشر چه باک ور بود رأفتی از شه زد صد شحنه چه بیم

بنده ایزدم معتقد احمد و آل مذهب و ملتّم از جعفر و از ابراهیم

(شوریده شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۰۱/۱)

۲- پیشینه تحقیق

درباره شوریده شیرازی چند پژوهش در زمینه‌های مختلفی انجام شده است، اما تاکنون از جنبه‌های عرفانی اشعار او مورد توجه قرار نگرفته است، مقاله «شوریده به روایت شعر، بررسی ساختار زبانی و هنری شعر شوریده شیرازی» از مرتضی جعفری، در فصلنامه زبان و ادبیات فارسی شماره ۳۳، سال ۱۴۰۲ ش. از آن جمله است که نگاه دقیقی به ساختارهای زبانی در شعر او دارد. مقاله «بررسی صور خیال شعر نابینایان با تأکید بر شعر شوریده شیرازی و مبین زورقی» از یحیی کارگر و فاطمه صادقی تبار، مجله پژوهشی دانشگاه شیراز، شماره ۳۷ در ۱۳۹۷ ش. نیز نگاه هنرمندانه‌ای به صور خیالی در اشعار او دارد. همچنین مقاله «شوریده شیرازی و خصایص سبکی دیوان وی» از زهرا اسفندیاری پور و احمد خاتمی، در فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی و نظم و نثر فارسی (بهار ادب) شماره ۳۴، زمستان ۱۳۹۵ ش. از آن جمله است که در مطالعه سبکی خلاصه شده است مقاله شوریده شیرازی از منصور رستگار فسایی در بخش مطالعات خاور نزدیک از علی اصغر حکمت، در مجله ارمان شماره ۷ در سال ۱۳۰۵ ش. همان معرفی را انجام داده بود. کتاب دانشمندان و سخن‌سرایان فارسی از محمدحسین رکن‌زاده (۱۳۴۹ ش.) نشر خیام نیز تاحدودی به معرفی اکتفا کرده است. یک وب‌سایت رسمی به نام شوریده شرازی نیز به فعالیت پرداخته است که به زندگی‌نامه و نقل چند شعر از او پرداخته است. یک مقاله هم تحت عنوان «شوریه شیرازی» از میرزا حسین خان شیفته در مجله ارمان شماره ۳، در سال ۱۳۰۷ ش. منتشر شده است که در اغلب این موارد به زندگی‌نامه پرداخته‌اند و بررسی ویژگی‌های دیگر افکار و اشعار او نیاز به پژوهش‌های دقیق‌تری دارد.

در سال ۱۳۴۳ ش. نیز نوه شوریده، فرشته فصیحی، پایان‌نامه کارشناسی خود را در رشته ادبیات فارسی دانشگاه تهران تحت عنوان «شرح حال و آثار شوریده شیرازی، قصیح الملک، شاعر نابینای معاصر» دفاع کرد. کتاب شوریده روشندل شیرین‌سخن از قدرت‌الله عفتی نیز در سال ۱۳۹۰ ش. از طرف دفتر فرهنگ معلولین قم منتشر گردید. «تصحیح دیوان غزلیات شوریده شیرازی» نیز از محمدجواد ابراهیمی، در سال ۱۳۸۸ ش. به‌عنوان رساله کارشناسی‌ارشد ایشان در دانشگاه علامه طباطبایی دفاع شد همچنین «شرح مشکلات و ویژگی‌های زبانی و سبکی غزلیات شوریده به همراه شرح احوال وی از محمود خداوردی در سال ۱۳۸۸ ش. به‌عنوان پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد در دانشگاه شیراز دفاع شد. و بالاخره در نقد و بررسی صور خیالی در شعر شاعران نابینان با تأکید بر غزلیات شوریده شیرازی، از فاطمه صادقی تبار، رساله پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد در دانشگاه قم بود که با

موفقیت دفاع‌گردید این نوشته‌ها اغلب به زندگی‌نامه و نقل اشعار وی اکتفا نمود و کمتر به مضامین فکری او توجه شده‌است.

۳- مضامین عرفانی در اشعار شوریده شیرازی

سروده‌های شوریده در مجموعه‌ای از مضامین متعددی را دربرمی‌گیرد که درباره هر کدام لازم است جداگانه مطالعه شود، اما در اینجا دریافت‌های معنوی و عرفانی او پرداخته می‌شود که به نظر می‌رسد هر چه پخته‌تر شده و به سال‌های پایانی عمر خود نزدیک شده‌است، این مضامین بیشتر در کلام او ظاهر شده‌اند. گفته‌اند: «سیر و شهود حاصل از درک زیبایی، همان مقوله‌ای است که در آثار عرفا و بزرگان ادب ما تبدیل به درک معانی عظیم و پیچیده و نهانی می‌شود و آنان را به اعجاب، لذت حاصل از تناسب، لذت حاصل از نظم عقلانی، و درک معنای عقلی و عملی، و لذت حیرت می‌اندازد؛ چنان که در آثار شوریده نیز نمود یافته‌است. اگر بتوان ویژگی زیبایی موجود در اشعار شوریده را به دو بخش عمده: ویژگی صوری زیبایی و ویژگی غیرصوری زیبایی تقسیم نمود؛ در ویژگی‌های صوری که با ظاهر کلام در ارتباط است شرط عقلانی و محک زیبایی کلام را می‌توان در سه گزینه تناسب و یکپارچگی بازیافت، همچنین اعتدال و تناسب را هم می‌توان در سخن شوریده بازیافت.

شوریده الفاظ را درخور معنای به کار برده و از صنایع و فنون بلاغی تا بدان حد بهره‌گرفته که شایسته آداب سخنرانی است و روشنی و وضوح کلام را خدشه‌دار نمی‌سازد حتی در بهره‌جویی از معلومات و در زیبایی غیرصوری یا نوآوری و تنوع در اندیشه و نمود و ظهور آن در کلام روبه‌رویم از ترکیب این زیبایی صوری و غیرصوری در کلام شوریده، به هنر زبانی با نبوغ زبانی شوریده دست می‌یابیم» (جعفری، ۱۴۰۲: ۵۹) حاجی میرزا عبدالمحمد، مدیر مجله چهره‌نما در سال ۱۳۴۵ق. می‌نویسد: «ما مسروریم که آن درخت پهناور کمال را دو نهال برومند و دو شاخه سرسبز ارجمند مانند آقا میرزا حسین خان شیفته و آقا میرزا حسن خان احسان بوده که در پرتو تربیت آن مرحوم (شوریده شیرازی) و علما و فضلاء عصر به معارج ترقی و مدارج تعالی ارتقایافته و در حسن بیان و شعر و عرفان، سالک و مسلک پدر بزرگوار بوده‌اند آری شیر را بچه همی ماند بدو» (شوریده شیرازی، مقدمه، ۱۲۸۸: ۱۲۷/۱) در بیان فوق به معرفی فرزندان ایشان پرداخته‌بود اما حکایت از معنویت در نزد ایشان دارد.

۴- عشق الهی رابطه با خدا یکی از ارکان اندیشه‌های هر شخصیت به‌شمار می‌آید که چگونگی دیدگاه معنوی او را به نمایش می‌گذارد و از نگاهی که فرد به خدا دارد می‌توان به مبانی فکری او در زمینه آفرینش وهستی‌شناسی پی‌برد. دیدگاه شوریده شیرازی به خداوند، عاشقانه و حاکی از احترام خاص قلبی است و در شعری عارفانه خدا را در همه جا می‌جوید و رحمت او را فراگیر حتی برای ابلیس می‌شمارد:

ای در همه اشیا ز تو آثار خدایی داده همه اشیا به خدائیت گواهی
 آثار خدائی تو اندر همه اشیاست ای در همه اشیا ز تو آثار خدائی
 نه پیل و نه خورشید که هر ذره هر مو از فرس مراعات تو گوید که مرائی
 روزی که شود رحمت عام تو خطا شوی ترسم که بر ابلیس در عفو گشائی
 (شوریده شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۴۹/۱)

در گرایش‌های عرفانی در ثنای حق و در مقابل او نخستین مطلب اشاره به فقر و ناچیزی انسان می‌شود یکی از معنای فقر در عرفان همین هیچ بودن در برابر همه چیز بودن است که در سروده شوریده نیز ملاحظه می‌گردد که موجودات را عکس روی او در آینه می‌داند:

صد لحن مخالف به یکی نغمه کنی راست ای مقصد عشاق، عجب نغز نوائی
 درویشی ما سلطنت است ار تو پسندی محرومی ما مرحمت است ار تو رضائی
 ما گرچه غریقیم تو کشتی نجاتی ما گرچه فقیریم تو دریای عطائی
 شک نیست که این آینه‌ها جمله بسوزند گر عکسی از این جلوه که داری بنمائی
 شوریده دل‌کور، که باشی تو، که حق را بینا شوی و وصف کنی حمد سرائی
 (همان: ۱۵۱/۱)

عشق الهی در غزلیات او جلوه بیشتری دارد و نشان می‌دهد که مضامین عرفانی را به خوبی می‌پروراند:

هرجا که روم مقصد و مقصود توئی تو گر رو به حرم آرم و گر رخ به کلیسا
 هر کس ز تو آش هست تمنا و مرادی ما از تو به غیر از تو نداریم تمنا
 خواهم که ز سودای سر زلف تو ای دوست جز باختن جان برهم از همه سودا
 (همان: ۴۹۹/۱)

در اغلب این اشعار معنوی معشوق حق تعالی است و از دیدگاه عرفانی حکایت دارد و خود را «اهل دل» یعنی عارف خوانده‌است:

ما را مخوان به کعبه که در کیش اهل دل معنی یکی است میکده و خانقاه را

هر شب ز عشق روی تو ای آفتاب روی از دود آه تیره کنم روی ماه را

(همان: ۵۰۰/۱)

در بحث از عشق الهی و در مکتب جمال، همه زیبایی‌ها از حق مایه دارد و چون او زیبا و زیبایی حقیقی است، همه عشق‌ها از او سرچشمه می‌گیرد، چراکه عاشق و معشوق حقیقی نیز اوست، شوریده شیرازی با همان اصطلاحات آن‌ها می‌سراید:

مشنو که مرا با مه رویت نظری نیست کز روی نکو اهل نظر را گذری نیست

آن دوست که منظور بود شاهد جمع است اما چه توان کرد که صاحب‌نظری نیست

دانی که چه کس را از تعشق خبری هست آن راست که هیچش ز تعلق خبری نیست

(همان: ۵۱۱/۱)

در اندیشه عرفانی همه موجودات هستی عاشق هستند و عشق خود را از حق می‌گیرند و همین عشق گرمایی ایجاد می‌کند که هستی را به حرکت درمی‌آورد این دیدگاه هستی‌شناسانه در عرفان است:

هیچ موجودی نپندارم که بی‌جانان بود هرچه را بینی بساز عشق دم‌ساز آمده‌است

خلق را گوش شنیدن نیست ورنه در بهار هر گلی بینی که با بلبل هم آواز آمده‌است

عقل با آن زورمندی پیش عشق چیره‌دست پشه را ماند که پیش چنگال باز آمده‌است

(همان: ۵۱۴/۱)

یکی از ویژگی‌های عشق عرفانی این است که هرکسی به آن راه‌نمی‌یابد و نیاز به مقدمات سلوک دارد؛ اما عشق‌های مجازی برای همه انسان‌ها امکان‌پذیر است و هیچ تلاش و کوشش خاصی را نیز نیاز ندارد شوریده شیرازی از عشق عرفانی نیز سخن می‌گوید و عقیده دارد:

هرکسی لایق آن نیست که عاشق باشد یعنی این مایه کسی راست که لایق باشد

(همان: ۵۲۲/۱)

ویژگی عشق عرفانی را چنین شرح می‌دهد، که از اصطلاحات عرفانی نیز در بیان آن استفاده می‌کند:

آنان که قدم در طلب عشق نهادند ز آن‌روی نهادند که پاکیزه نهادند

دادند به خلق از نظری قرب مقامات تا ظن نبوی کز نظر خلق فتادند

منگر به حقارت سوی این قوم که این قوم
جز دوست نگویند و بجر دوست نجویند
کر خاک نژدند، ولی پاک نژادند
در بر همه بستند و به مقصود گشادند
در بارگه قدس که انس ملکوت است
انسى ملکانش که با دانش و دادند
(همان: ۵۲۵/۱)

۵- تزکیه نفس

عرفان در تزکیه و تهذیب نفس خلاصه می‌گردد، یعنی مهمترین توضیح عرفان پاکی و خلوص درونی است بدون آن هیچ راهی به سوی مقصدی معنوی گشوده نخواهد شد، به همین دلیل همه کسانی که تمایل عرفانی داشته‌اند، به این مقوله پرداخته‌اند اما برای رسیدن به این جایگاه باید ابتدا پاک سازی‌هایی مقدماتی انجام داد:

اگر دامن بود پاکت، چه باک از چشم ناپاکان
که با نور را نکاهد حُسن عفت، بد نگاهی‌ها
تو ای پیر مغان رمزی به چشم زاهدان بنما
که کم نازند بر میخانه‌ای با خانقاهی‌ها
من ار دعوی به بینایی کنم، باشد که بپذیری
مرا چشمِ درون‌ها روشن از فیض الهی
سیه‌روئی، سیه‌روزی، سیه‌قلبی، سیه‌کاری
کدامین آه، از من پاک شوید این سیاهی‌ها
گواهانند اشکِ سرخ و روی زرد بر عشقم
به دعویم سزد گر واثق آئی زین گواهی‌ها
(همان: ۱۶۷/۱)

در عرفان و تصوف خلاصه سیر و سلوک در تزکیه نفس ملاحظه می‌گردد یعنی دروازه ورود به معنویت و بلکه همه مراحل سلوک در همین مطلب جمع شده است به همین دلیل یکی از نشانه‌های گرایش به عرفان توجه به تصفیه و تزکیه نفس است که در اغلب اشعار شوریده شیرازی نیز به نحوی مستقیم یا غیرمستقیم با اهمیت جلوه داده شده است در مجموع یکی از نتایج کلی مطالعه اشعار او همین آموزه پاکی و طهارت باطن است که سرچشمه همه فضایل اخلاقی به شمار می‌آید.

۶- بی‌اعتباری دنیا

یکی از آموزه‌های عرفانی و معنوی دل‌بریدن از دنیا یا دل‌نستن به آن است، زیرا وابستگی‌های مادی انسان را از امور معنوی بازمی‌دارد و این مطلب در همه کتاب‌های آسمانی نیز آمده است که دنیا انسان را فریب می‌دهد و در نهایت ناکام می‌گذارد. در همه مکتب‌ها و طریقت‌های عرفانی نیز نخستین

گام درباره سلوک را روی گردان از دنیا گفته‌اند و عرفان بزرگ نیز سیر خود را با عبور از دل‌بستگی‌های دنیوی آغاز کرده‌اند. شوریده شیرازی نیز تجربه خود را از این امر بیان کرده‌است:

جهان بگشت و بسی در جهان بگردیم هر آنچه دیدم جز حق، بر او فنا دیدم
جهان حسود بود، زو علاقه برکندم زمانه سفله بود، زو امید بیریدم
مرا به خوان جهان سیاه کاسه مخوان که دامن از سر این سفره در نور دیدم
هر آن کمند کز او سخت‌تر نداشت خیال از آن رهیدم و از دام مرگ نرهیدم
در این سرا، نشنیدم صدای بانگ دفی که از قفاش، دو صد نشنیدم
به کار من همه عیبی بود جز این یک که هر یک عیب مرا گفت از او نرنجیدم

(همان: ۳۵۲/۱)

در اشعار شوریده شیرازی در موارد متعددی به بی‌اعتباری دنیا اشاره شده‌است که مطلبی اخلاقی و عرفانی می‌باشد که در نزد بسیاری از شاعران ملاحظه می‌گردد که مورد توجه قرار گرفته‌است، اما نگاهی عارفانه از این بی‌اعتباری دنیا به نتیجه‌ای نیز می‌رسیده که باید خود را پاک نمود و تعالی رسید و به این امور مادی و دنیوی بسنده نکرد، اما در نگاه عمومی شاعران در مرحله گلابیه از بی‌اعتباری دنیا متوقف می‌ماند. بی‌اعتباری دنیا به نحو دیگری هم بروزمی‌کند و آن ظهور دنیا در جنبه جسمانی و بدنی انسان است و به نوعی انسان‌شناسی عارفانه هم می‌رسد.

یک ساقی‌نامه زیبا و عرفانی دارد که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌است و مضامین عرفانی و معنوی در آن فراوان به چشم می‌خورد و «مصر بدن» «باده وحدت» و ترکیب‌های بدیعی دارد:

بیار ساقی از آن باده‌های ریحانی که تا مرا دمی از یاد خویش برهانی
بیار خرقه پپالای از ترشح می مرا که شهره شهرم به پاک دامانی
خلاص می طلبد جان همی ز مصر بدن یکی که جان به مصر بدن یوسفی است زندانی
ز باده وحدت چنان به وجد در آی خوش که بر بساط دو کون آستین بیفشانی
است خنده تو، خاصه روز گریه من چنانکه خنده مستان به روز بارانی
نداد چشم تو تن را، به غیر بیماری نخواست زلف تو دل را به جز پریشانی

(همان: ۴۶۲/۱)

از اصطلاحات صوفیانه و مقامات فنا و بقاء و حرکت به سوی تجرید نیز سخن گفته‌است:

راحت دار بقا در طلب دار فناست شو چو منصور و پس آنگه به آنا الحق دم زن
 مُلک تجرید به دست آورد بر خیل مَلک ملکی باش و علم بر زبر عالم زن
 (همان: ۵۷۶/۱)

این اصالت به باطن و معنویت در حوزه عشق نیز ظهور می‌یابد و مطالعه ویژگی‌های عاشق و معشوق را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و نگاهی دیگر مقوله عشق را بار می‌آورد که درون را برتر از بیرون قرار می‌دهد.

به پیروی از این غزل حافظ:

شاهد آن نیست که مویی و میانی دارد بنده طلعت آن باش که آنجا دارد...
 (حافظ: ۱۳۹۱: غزل ۱۲۵)

غزلی عرفانی دارد که مضامین عرفانی در آن به کار می‌برد و برخی از ویژگی‌های عارفان را بیان می‌دارد:

شاهد آن نیست که او را خط و خالی باشد شاهدهی جو که در او نور کمالی باشد
 هر که راهست کمالی، همه دل‌ها سوی اوست خاصه آن را که کمالی و جمالی باشد
 عارفان گر همه شاهی است، به یک جو نخرند دولتی را که در او بیم زوالی باشد
 دیده بر خوبی طوبی نکنند اهل بهشت گر چو قدّ تو به فردوس نهالی باشد
 (شوریده شیرازی، ۱: ۵۲۸/۱۳۸۸)

در مواردی خود را نیز در میان عارفان جای می‌دهد و از زبان آن‌ها نیز سخن می‌گوید:

عارفان گرچه دم از غمکده خاک زدند قدم از مرتبه عشق بر افلاک زدند
 ما شه می‌کده‌ایم ارچه گدایان رهیم سگه شاهی ما بر ورق تاک زدند...
 مدّعی گو بر شوریده مکن دعوی عشق ز آنکه این قرعه به نام من بی‌باک زدند
 (همان: ۵۳۳/۱)

ویژگی‌های عارف در گرایش به وحدت و زیبایی در سروده‌ای چنین بیان می‌کند و آن‌ها را صاحب‌نظران می‌خوانند:

صاحب‌نظران جمله به رقص از می وحدت کز شاخ شجر نکته توحید شنیدند
 مشکین نَفحاتند که همچون دم عیسی در جسم درختان چمن روح دمیدند

از گور بسی رفت که سر برنگرفتند آنان که سر از خاک بر افلاک کشیدند

(همان، ۵۳۶/۱)

یکی از عارفان و حکیمان بزرگ معاصر با شوریده شیرازی، سیدابوالحسن طباطبایی معروف به میرزا ابوالحسن جلوه (۱۲۳۸-۱۳۱۴ ق.) از حکمای چهارگانه مکتب فلسفی و عرفانی تهران است البته شاعر هم بوده و یکی از آثار او «دیوان جلوه» می‌باشد. از آثار عرفانی او تعلیقات بر شرح فصوص - الحکم قصیری است بین این دو شخصیت مکاتبه‌ای شعری رخ داده که به سنایی غزنوی و مولوی و عرفان مربوط می‌شود.

فیلسوف عصر و تحریر زمانه بوالحسن	ای که جان کهنه را دادستی از دانش نوی
نام نامی تو در معنی به حکمت جلوه داد	ورنه معنی مختفی بودی و حکمت منزوی
شاعر بی دیده، گر شویده‌ای بشنیده‌ای	خود منم کز نظم من بر نسر گردون شد روی
دختران طبع من هریک طرزی می‌چمند	در پس پرده سخن هریک به فر بانوی
یک رهی سوی رهی، بنگر که اندر حضرتت	حاجتی دارم ضعیف و حجّتی خواهم قوی
ز آنکه اندر خطّه شیراز کس امروز نیست	کو تواند کر دحلّ مشکلات معنوی
هادی ما شو که گمراهیم در تیه ضلال	یاری ما کن که در بحثیم با خصم غوی
چون تو در پهنه حکم کس را نشاید صفدری	جز تو در عرصه هنر کس را نزیبید پهلوی
گوی کاندرا دانش و حکمت کدامین برترند	زین دو تن: ملای رومی یا حکیم غزنوی؟
هر دو خواهی گفت در اقلیم معنی خسروند	دانم اما گو کدامین برترند از خسروی
گوی برهانی که برهانی مرا زین در دسر	ورنه از من درد سر یابی به قطع ثانوی

(همان: ۸۴۳/۱)

ابتدا شعری را به صورت پرسش‌نامه برای حکیم جلوه می‌سراید و می‌فرستد. پس از این پرسش و تقاضای شوریده شیرازی، در پاسخ حکیم جلوه نیز چند بیت می‌سراید که زیباست:

ای پژوهنده حقایق، دوستدار علم و فضل	بینمت بس با دل بینا و با رای قوی
گفته‌ای در معرفت بر گو کدامین برترند	زین دو تن: ملای رومی یا حکیم غزنوی
ره به جزئیات نتوان برد جز از راه حس	منطقی گفت و این باید منطقی را پیروی

پس قدیمی رفتگان را حکم کردن زین نمط	نسبت ممکن گر به انصاف و مروّت بنگری
از کتاب این دو هم، این حکم می‌ناید درست	گر مکرر خوانی و هم مکرر بشنوی
هم بود سوء ادب ز امثال ما اینگونه حکم	نی گمانم که به این سوء ادب راضی شوی
لیک بستاید حکیم غزنوی را چند جای	مولوی دور از گزاف اندر کتاب مثنوی
گرچه نبود این دلیل برتری در رتبه لیک	خالی از تأیید نبود، بشنو از این منزوی
تا که معلوم است حال این دو تن دارم امید	که نگردی هیچ‌گه محتاج قطعه ثانوی

(همان: ۸۴۴/۱)

به نقل از محمد اسحاق و کتاب سخنوران نامی ایران نوشته‌اند: «شوریه، به هوش و ذکاوت و استعداد زیاد ممتاز بود و در اشعار و تشبیهاتی وجود دارد که بهتر از بینندگان (بیناها) آن را به شعر در آورده و وصف فرموده و همچنین خزینه خاطر مملو از قصص و حکایات نوادر اشعار عربی و فارسی و وقایع تاریخی بوده و از اشعار وی محسوب می‌شود. در قصیده و غزل به این سبک، کمال زبردستی و رشادت را به ظهور رسانیده است ولی در اشعار دوره جوانی او، روح ابتکار و اختراع و معنای جدید و موضوعات بکر و تازه از هجو و فکاهیات و غیره به وفور دیده می‌شود. بالأخره باید گفت که شوریده شیرازی از نوادر بوده و می‌توان او را بعد از شعرای نابینای عالم همانند هومر یونانی، رودکی بخارایی، ابوالعلا معری، و میلتن انگلیسی ذکر کرد و بدون تردید از استادان مسلم شعر در قرن چهاردهم هجری است». (همان: ۸۳/۱) البته باید اذعان نمود که اشعار دوران پیری او پخته‌تر و حاوی مضامین معنوی و عرفانی بیشتر است.

۷- ارادات به انسان کامل و پیشوایان معنوی

یکی از نشانه‌های گرایش‌های عرفانی و معنوی احترام قلبی و تمایل باطنی به شخصیت‌های بزرگ در عرصه معنویت است که درباره شوریده شیرازی نیز قابل ملاحظه است در مقدمه و ابتدای دیوان خود قصیده‌ای مفصل در مدح پیامبر اکرم (ص) دارد:

خواجه پیغمبران و ختم رسولان	کز همه بگزید ایزد متعالش
در همه عالم یکی نداده نشانش	در همه گیتی یکی ندیده همالش
معنی واللیل شمّه ایست ز مویش	سوره والششمس آیتی ز جمالش
ایمان، کشت است، وجود اوست سحابش	امکان، باغ است و قد اوست نهالش

دست کجا یازد او به خوان نبوت صد چو ابراهیم ریزه‌خوار نوالش
 از شب معراج تا به روز قیامت عرش مزین بود ز گرد نعالش
 شد ز ازل تا ابد وصال مسیر پیشتر از استماع لفظ وصالش
 (همان: ۱۵۴/۱)

سروده‌ای زیبا نیز درباره امام رضا(ع) دارد که در آن به نکات معنوی زیبایی اشاره دارد و عشق و اخلاص او را به این امام نشان می‌دهد:

وه ز آفرینشی که چو ایزدانش آفرید خود را ز خوش در خود صد آفرین نهاد
 موسی در آستانه این موسی ز عجز اعجاز خویشتن به در از آستین نهاد
 بنگر به طوس کز ملک هشتمین رضا از خاک گام بر فلک هشتمین نهاد
 عم عرش بی‌قرین را گر نیستی غلط می‌گفتمی به مشهد نتوان قرین نهاد
 هرکس که پا بهشت بر این طرفه آستان مشنو گر که دل به بهشت برین نهاد
 (همان: ۲۰۳/۱)

از عارف و عارفان نیز نام می‌برد و می‌گوید: «عارفان را که همه چشم سوی صنع خداست» (همان: ۵۱۸/۱) درحقیقت آن‌ها را در ردیف انسان‌های کامل قرار می‌دهد و نمونه‌های چنین انسان‌هایی را امامان شیعه می‌داند.

ارادات او به انسان کامل عرفانی با شناخت خود و روح الهی انسان که در قفس تن زندانی است همراه می‌گردد و ترکیبی زیبا در مخمسات او پدید می‌آورد.

آن خلیلی تو، که باغ گُل تو نار بلاست آن ذیحی تو، که قران گه تو کوی و فاست
 آن مسیحی تو که چرخ تو مقامات رضاست آن کلیمی تو، که طور تو بیابان فناست
 چون شبان تا کی و پاس گله تا چند کنی

من درین گنج قفس طوطی که بسته پریم این قفس برشکنم روزی و لختی پریم
 روم آن روضه و این روضه به اذعان سپرم هرکه گوید که کجا رفت که یابد خبرم
 گو سوی عالم جان رفت به شکرشکنی

الله الله که از این دار فنا خواهم رفت لوحش الله که سوی مُلک بقا خواهم رفت

علم الله که از این جا به کجا خواهم رفت شهد الله که سوی معنی لا خواهم رفت

رفتنی کش نبود صورت باز آمدنی

گر شود پرتوی اشراق ز انوار قدیم هیچ ز اشیاء ز احراق نمانند سلیم

«خَرَّ موسى صَعَقًا» خوان که گواهیست عظیم مطلب صورت معنی که چو موسی کلیم

لن ترانی شنود هر که بگوید ارنی

تا که ننمود کسی رُخ ره کسی دل نربود دلبر ما دل ما بُرد و به ما رُخ ننمود

رُخ نموده و عشق؟ ای عجب این کس نشنود عشق و نادیدن و دیدار چنانست که بود

حسن پیغمبری و مهر او ایس قرنی

(همان: ۶۸۱/۱)

درباره امام علی (ع) نیز ارادتی تمام دارد و سروده‌هایی در وصف این مقتدای عارفان دارد که به نکات دقیقی نیز اشاره می‌کند که حکایت از تفسیرهای عارفانه در عرفان شیعه دارد:

خواهی که حق شناسی، حیدر شناس باش کآمد صفات یزدان را حیدر آینه

آن شاه لافتی که گه عرصه و غنا از ذوالفقارش واستدی جوهر آینه

تا بنگرد صفات خدائی ذات خویش شد دیده علی را پیغمبر آینه

گر نامی از علی ببرد طوطی در او طاووس‌وش، ز شوق برارد پر آینه

حز این یک آفتاب ولا ننگری اگر از باختر نهندت تا خاور آینه

از شمس برشدی، ز یکی عکس مرتضی مستظهر ار همی شد و مستحضر آینه

چون شد به نام نامی حیدر ردیف شعر برشد به نُه سپهر و به هفت اختر آینه

(همان: ۴۵۲/۱)

شوریده شیرازی مخمساتی دارد که به آن کمتر پرداخته‌اند و اغلب در مضمون‌پردازی عرفانی برای امام علی (ع) است، مضامین عرفانی شیعی و طریقت اهل حق در آن آشکار است:

چون ساقی ازل آوای صلا می‌زد هرآنکه گفت بلی ساغر بلا می‌زد

هرآنکه جام بلا زد دام از ولا می‌زد به گوش باده‌پرستان یکی ندا می‌زد

که ای حریفان مقصود ما علی است علی

دلم همی ز خدا وصل مرتضی خواهد عجب دلیست دلم کز خدا خدا خواهد

خدای را ز خدا خواهد و به‌جا خواهد هر آن کسی که خدا خواست گو ورا خواهد

چراکه مظهر ذات خدا علی است علی

در مدینه علم محمدی علی است دُر سفینه اسرار احمدی علی است

شه اریکه کاخ مجردی علی است صفای چهره مرآت سرمدی علی است

فروغ بارگه کبریا علی است علی

علیم و عالم علم هُداست حیدر و بس امیر و آمر امر رضاست حیدر و بس

حکیم و حاکم و حکم قضاست حیدر و بس نظام و ناظم بقاست حیدر و بس

ملیک و مالک ملک رضا علی است علی

عکوس خلق و به چندین هزار آینه‌وار همه یکیست ولیکن به اختلاف صور

هرآینه به هر آئینه جز یکی منگر پی ظهور حق آئینه‌ایست باید اگر

بیا که آئینه حق‌نماست علی

بهار روضه یس و دوحه طه نسیم باغ امامت، شمیم شاخ ولا

هنوز لام و الف لابدی که از در لا به کارخانه لاسیف زد ندا الأ

که شاه معرکه لافتی علی است علی

به مهر شاه شود نامه سیاه سپید چنانکه تیرگی شب ز تابش خورشید

دلا ز باد گنه بر خود ملرز چو بید ز بیم پرسش روز جزا مشو نومید

چراکه شافع روز جزا علی است علی

چه پیر، پیر خرابات میر میخانه چه داد، داد مرا یک دو طرفه پیمانہ

چه کرد، کرد مرا مست و مات دیوانہ چه گفت: گفت که از هرچه باش بیگانه

شو آشنای علی کآشناه علی است علی

دلا به دام بلا بسته باش، رسته مباش کمند زلف بُتی جُسته باش، جسته مباش

به هرچه خواسته او بسته باش، خسته مباش دل رمیده شوریده گو شکسته مباش

ز کار بسته که مشکل گشا علی است علی

(همان: ۶۷۸/۱)

یکی از این مخمسات نوحه‌ای زیبا برای امام حسین(ع) است که کمتر به آن توجه شده است:

شاه از زین به زمین آمد و گفت که الهی کردم این لحظه وفا وعده خود را تو گواهی

دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را

عاشق آن است که جان در ره معشوق سپارد در ره دوست اگر زهر خورد شهد شمارد

چونکه ار جان گذرد سر به دم تیغ گذارد قیمت عشق نداند قدم صدق ندارد

شُست عهدی که تحمّل نکند بار جفا را

گر کُشد از دم شمشیر جفا شمر شیریم ور که بر سینه زند تیر حصین این نمیرم

ور که رنگین شود از خون سرم چهر منیرم گر سرم می‌رود از عهد تو سرباز نگیرم

تا بگویند پس از من که به سر بُرد وفا را

سر شاه شهدا رفت چو بر نیزه عدوان نیزه را سر ز بلندی بگذشت از سر کیوان

گفت خورشید چو دید آن سرو آن صورت تابان سر انگشت تحیر بگذد عقل به دندان

چون تصور کند آن صورت انگشت‌نما را

(همان: ۶۲۴/۱)

۸- نتیجه‌گیری

از مطالعه دیوان شوریده شیرازی در مضمون‌های عرفانی چنین نتیجه‌ای به دست می‌آید که این شاعر در پایان عمر به معنویت گرایش بیشتری نشان داده است و اشعاری عرفانی نیز سروده است که در آن‌ها اصطلاحات عرفانی و صوفیانه را به کار برده است از انالحق حلاج به نیکی یاد می‌کند و واژه‌های پیر مغان، خانقاه، صوفی و فنا و بقا را در مضامین عارفانه به کار می‌برد. اشعاری چند در مدح امام علی (ع) دارد که در تعبیری عارفانه و بلکه مناسب با طریقت اهل حق (پارسان) از ایشان سخن - می‌گوید و امام را انسان کامل عرفانی معرفی می‌کند درباره امامان دیگر نیز توجه و علاقه نشان می‌دهد به ویژه برای امام حسین (ع) چند شعر ارزنده دارد و نوحه مفصلی نیز برای ایشان سروده است برای امام رضا (ع) نیز شعری زیبا سروده است.

مهم‌ترین مضمون عرفانی در شعر شوریده شیرازی مربوط به عشق است که بخشی از آن به عشق الهی مربوط می‌شود که بسیار جنبه معنوی پیدامی‌کند. درباره بی‌اعتباری دنیا نیز به سبک عارفانه سخن - می‌گوید. در تزکیه و تصفیه نفس نیز چون سالکی مشتاق سخن می‌گوید و درباره انسان کامل عرفانی عقایدی را ابراز می‌دارد از اشعار توحیدی او نوعی گرایش به نظریه وحدت وجود نیز استنباط می‌گردد از آنجاکه او شاعری با طبع لطیف است بسیاری از تجربه‌های معنوی را نیز داشته که در اشعار خود به - نمایش می‌گذارد.

از آنجاکه در عصر او شیراز یکی از بزرگترین مراکز عرفان شیعی با طریقت‌هایی چون ذهبیه و نعمت‌اللهیه و مانند آن‌ها بوده است. خانقاه‌های متعددی نیز دایر بوده است که مورد توجه اهل معنویت و عرفان قرار داشتند، می‌توان نتیجه گرفت که مطالبی که شوریده درباره امامان شیعه به ویژه امام علی (ع) گفته است و رنگ و بوی گفته‌های آن طریقت‌ها را دارد، نشان‌دهنده این امر است که شاعر تحت تأثیر آن عقاید خود قرار داده است. البته انقلاب مشروطیت روحیه و افکار شاعران را در آن عصر دگرگون نمود و همگی تلاش کردند تا خود را با دنیای جدید و تحولات آن هماهنگ سازند و یکی از نتایج مطالعه اشعار شوریده شیرازی این است که سروده‌های او چند مرحله را متناسب با تحولات تاریخ ایران در آن عصر پشت سر می‌گذارد که پیشنهاد می‌شود در یک تحقیق جداگانه‌ای به مراحل شعری او در تناسب با تحولات سیاسی کشور پرداخته شود، تا از این طریق جایگاه معنویت و عرفان نیز در اشعار او روشن‌تر ارزیابی گردد.

منابع و مأخذ

- ۱) آدمیت، محمدحسین رکن‌زاده (۱۳۹۹ش.). دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، تهران، کتابفروشی خیام.
- ۲) حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۹۱ش.). دیوان، تهران: انتشارات ذهن‌آویز.
- ۳) جعفری، مرتضی (۱۴۰۲ش.). شوریده به روایات شعر (بررسی ساختار زبانی و هنری در شعر شوریده شیرازی، فصلنامه زبان و ادبیات فارسی)، فسا شماره ۳۳.
- ۴) حسینی‌فسایی، حسن (۱۳۶۷ش.). فارسنامه ناصری، تصحیح از منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.
- ۵) دیوان بیگ، احمد (۱۳۶۶ش.). حدیقه الشعر، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: علمی.
- ۶) شوریده شیرازی، محمدتقی (۱۳۸۸ش.). کلیات دیوان، خط و شرح و تحشیه حسن فصیحی شیرازی، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران و مگ‌گیل، جلد اول.
- ۷) شوریده شیرازی، محمدتقی (۱۳۸۹ش.). کلیات (مطایبات، هزلیات، ماده تاریخ‌ها)، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران و مگ‌گیل، جلد دوم.
- ۸) وب سایت رسمی شوریده شیرازی Shouridehshirazi.com
- ۹) شعاع شیرازی، محمدحسین (۱۳۸۰ش.). تذکره شعاعیه، تصحیح محمود طاووسی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- ۱۰) فرصت شیرازی، محمدنصیر (۱۳۶۲ش.). آثارالعجم، تهران: نشر بامداد.

Emergence of Spirituality and Mysticism in Shurideh Shirazi's Poetry

Shirin Baghaei*

Assistant Professor, Farhangian University, Tehran, Iran. *Corresponding Author,

bakashirin@yahoo.com

Abstract

Fasih al-Mulk, Shourideh Shirazi (died 1345 AH) has been called the last poet of the literary return style, who is considered one of the bright-hearted geniuses in Persian literature, the turbulent period of his life at the end of the Qajar era and the beginning of the Pahlavi era and the events of the constitutional revolution, his poetry has a high And it makes descents that show tendencies towards spirituality and mysticism. In this article, with the analytical method and referring to the first-hand sources and poet's poems, hymns that were related to spirituality and mysticism have been analyzed, and divine love and desire for the unity of existence have been analyzed. And self-cultivation is followed in it until becoming a Perfect Human, and his Sufi poems about Imam Ali (a.s.) are especially impressive, which are completed with devotion to Imam Hussain (a.s.) and Imam Reza (a.s.) and make these imams as Perfect human. draws and it is This poet had spiritual and mystical tendencies and this tendency increased during his maturity and the last decades of his life. He puts spiritual principles at the head of his teachings in most of his poems.

Key words: style of return, divine love, praise of Imam Ali (AS), Perfect Human, unreliability of the world